

أمبرتو اكو

نشانه شناسی

ترجمه پیروز ایزدی



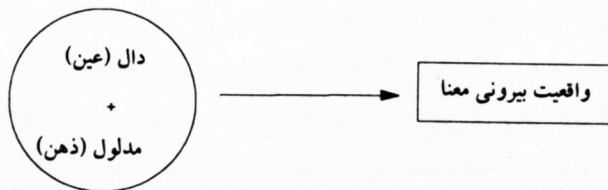
فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	دیباچه
۱۷	یادداشت مؤخر
۱۹	۰ - مقدمه
۱۹	۰ - ۰ طرح مسئله
۲۱	۰ - ۱ تکرارپذیری
۲۳	۰ - ۲ هماندها
۲۷	۰ - ۳ بدل‌ها
۲۹	۰ - ۴ نسبت آسان و نسبت دشوار
۳۱	۰ - ۵ حساسیت مکانی
۳۳	۰ - ۶ کهکشان‌های بیانی و سحابی‌های محتوایی
۳۶	۰ - ۷ سه تقابل
۳۹	۱ - نقد شمایل‌گرایی
۳۹	۱-۱ شش مفهوم ابتدایی
۴۰	۱-۲ «دارا بودن خصوصیات موضوع»
۴۴	۱-۳ شمایل‌گرایی و مشابهت = دگردیسی‌ها
۴۹	۱-۴ شمایل‌گرایی و قیاس
۵۱	۱-۵ بازتاب‌ها، بدل‌ها و محرک‌ها

یادداشت مترجم

نشانه‌شناسی به مطالعه نشانه‌ها و چگونگی کارکرد آنها می‌پردازد و می‌توان از آن تحت عنوان دکتترین نشانه‌ها یاد کرد. در طول تاریخ مطالعات نشانه‌شناختی، به پدیده نشانه از دیدگاه‌های گوناگون نگریسته شده است.

فردینان دو سوسور که از او به عنوان پدر زبان‌شناسی نوین یاد می‌شود، به مطالعه زندگی و حیات نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی می‌پردازد و در پروژه خود که تحت عنوان "Semiology" مطرح شده است، بر سرشت اختیاری نشانه تأکید می‌کند. نشانه که موضوعی فیزیکی و معنادار است، از ترکیب دال^۱ و مدلول^۲ شکل می‌گیرد. بین این دو، رابطه‌ای طبیعی و یا ضروری برقرار نیست، بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافقی برقرار می‌شود که مورد پذیرش جامعه است. از منظر سوسور، کلید فهم نشانه‌ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر بود. به طور کلی، سوسور توجه خود را بیشتر به خود نشانه معطوف کرده است و توجه چندانی به دلالت آن به واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد. مدلی که سوسور برای نظام نشانه‌ای ارائه می‌دهد، به شکل ذیل است:



1. Signifier

2. Signified

۵۴	۱-۶ شمایل‌گرایی و قرارداد
۵۵	۱-۷ مشابهت بین بیان و محتوا
۵۶	۱-۸ پدیده‌های شبه شمایی
۶۰	۱-۹ تجزیه‌های شمایی
۶۵	۲-گونه‌شناسی شیوه‌های تولید نشانه
۶۵	۲-۱ طبقه‌بندی چهاربندی
۶۹	۲-۲ بازشناسی
۷۵	۲-۳ اشاره
۷۹	۲-۴ بدل‌های واحدهای ترکیبی
۸۰	۲-۵ بدل‌های سبک پردازی‌ها و بردارها
۸۴	۲-۶ محرک‌های برنامه‌ریزی شده و شبه واحدهای ترکیبی
۸۷	۲-۷ ابداع
۹۴	۲-۸ ابداع به عنوان ایجاد رمزگان
۱۰۰	۲-۹ پیوستار دگردیسی‌ها
۱۰۴	۲-۱۰ مشخصه‌های تولیدی، نشانه‌ها، متون
۱۰۹	نمایه اسامی
۱۱۳	نمایه موضوعی
۱۲۵	کتاب‌شناسی

چارلز سندرس پیرس که به پدر سنت نشانه‌شناسی امریکایی معروف است، پروژه مطالعات نشانه‌شناختی خود را "Semiotics" می‌خواند و در آن بر دلالت تأکید ویژه‌ای می‌نهد و در واقع نشانه‌شناسی را نظریه عمومی شیوه‌های دلالت تعریف می‌کند. از این‌رو از دیدگاه او عناصر اصلی در نظریه نشانه‌شناسی نشانه، موضوع و مفسر است که سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند.



در اینجا نشانه، وظیفه بازنمایی را برعهده دارد و قابل تفسیر است. موضوع هر چیزی است که امکان تفکر یا بحث درباره آن وجود دارد (شیء، رویداد، رابطه، کیفیت و غیره). مفسر کمابیش به منزله معنای نشانه است (که در اینجا معنا در وسیع‌ترین مفهوم آن مدنظر قرار دارد و شامل استلزام منطقی نیز می‌شود). در این رابطه سه گانه، نشانه به جای موضوع می‌نشیند و توسط مفسر مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

برای آن‌که ذهن متوجه شود نشانه به چه چیزی دلالت می‌کند لازم است تجربیاتی در خصوص موضوع نشانه یا نظام نشانه‌ای داشته باشد؛ از سوی دیگر، مفسر می‌تواند خود در مقام نشانه قرار گیرد و توسط مفسری دیگر مورد تفسیر قرار گیرد که این فرایند به طور دائم تداوم پیدا می‌کند.

پیرس با توجه به خود نشانه، چگونگی ارجاع اشاره به موضوع خود و رابطه نشانه با مفسر خود، سه گونه‌شناسی مختلف برای نشانه‌ها ارائه می‌دهد.

چارلز ویلیام موریس، نشانه‌شناس دیگری است که به نشانه، از منظر یک محرک برای رفتارهای انسانی نگاه می‌کند. موریس شرح می‌دهد که چگونه علم نشانه‌ها^۱ می‌تواند در چارچوب علوم رفتاری بسط و گسترش یابد و به توصیف نقشی

1. Semiotic

می‌پردازد که این علم می‌تواند در وحدت بخشیدن به علوم زیستی، روانی، اجتماعی و انسانی ایفا کند.

موریس، نشانه‌شناسی را به سه بخش نحوشناسی (مطالعه روش‌های ترکیب نشانه‌ها برای تشکیل نشانه‌های مرکب)، معناشناسی (مطالعه دلالت نشانه‌ها) و کاربردشناسی (مطالعه منشأ، کاربرد و تأثیرات نشانه‌ها) تقسیم می‌کند. نشانه‌شناسی در واقع مطالعه نشانگی است. از دیدگاه موریس، نشانگی از چهار جزء تشکیل می‌شود:

۱. نشانه - حامل^۱ (شیء یا رویدادی که به عنوان نشانه نقش ایفا می‌کند)؛

۲. موضوع^۲ (یعنی نوع یا طبقه موضوعاتی که نشانه به آنها ارجاع می‌دهد)؛

۳. مفسر^۳ (یعنی استعداد تفسیرگر برای انجام یک رشته واکنش متوالی برای ادراک نشانه)؛

۴. تفسیرگر^۴ (یعنی شخصی که نشانه - حامل برای او به عنوان یک نشانه عمل می‌کند).

موریس می‌گوید هر نشانه باید موضوعی داشته باشد اما لزوماً نباید مصداق^۵ داشته باشد؛ مصداق در اینجا تنها به اشیا یا رویدادهای واقعاً موجود اطلاق می‌شود که نشانه بر آن دلالت دارد.

از دیدگاه موریس، نشانه‌ها را می‌توان بر حسب کاربردهای نحوی، معنایی و کاربردشناختی آنها طبقه‌بندی کرد.

اما اومبرتو اکو بر این باور است که در نشانه‌شناسی نه از «نشانه‌ها»، بلکه از نقش نشانه‌ای باید سخن به میان آورد. نقش نشانه‌ای، رابطه‌ای است قراردادی که میان بیان و محتوا برقرار می‌شود. در این میان، محتوا خود، ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص است. از این رو، بیان در وهله نخست به فرهنگ برمی‌گردد؛ از سوی دیگر، اکو به گونه‌شناسی نشانه‌ها اعتقادی ندارد و بر این باور است که فرهنگ

1. sign-vehicle

2. designatum

3. interpretant

4. interpreter

5. denotatum